

«مقاله‌ی پژوهشی»

واکاوی مبانی هستی‌شناسی تربیت عرفانی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

رضا علی زاده^۱

محمد هاشم رضایی^{۲*}

علیرضا فقیهی^۳

چکیده

هدف: شناسایی مبانی هستی‌شناسی تربیت عرفانی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران با توجه به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی است.

روش‌شناسی پژوهش: از نظر هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده، توصیفی تحلیلی با رویکرد کیفی و جامعه آماری، سند تحول بنیادین و برنامه درسی جمهوری اسلامی، بوده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها چک لیست ثبت مفاهیم مقوله‌های مرتبط با مولفه‌های هستی‌شناسی توحیدی (اصل وحدت وجود) و عشق می باشد که مورد تایید صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت بوده است. داده‌های جمع‌آوری شده ابتدا تلخیص، سپس ارائه و برای نتیجه‌گیری مورد تفسیر قرار گرفته اند.

یافته‌ها: تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی که محوریت دیگر ساحت‌های تربیتی در سند تحول است موضوع وحدت وجود، ذیل مبحث توحید در آن مطرح است. تربیت انسان موحد، مومن به معاد و مهرورز اشاره به عشق خالق یکتا عشق در پرستش عشق در بازگشت به معاد و عشق در رابطه با دیگران است.

نتیجه‌گیری: مبانی فلسفی تربیت عرفانی در مولفه هستی‌شناسی، در چارچوب اصل وحدت وجود و عشق در سند تحول و برنامه درسی ملی مورد توجه قرار گرفته است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم در اسناد مذکور مطرح گردیده است. با نگرش هستی‌شناسی توحیدی، مربی‌مربی را سایه و نمودی از جلوه حق دانسته و با کمال عشق و مهرورزی به تعلیم و تربیت می پردازد و رشد‌مربی را در تمام ابعاد هویتی، رشد خود می داند که این سبک آموزش عاطفی، چشم‌انداز جدید جهانی در عرصه تعلیم و تربیت می باشد.

کلیدواژه: هستی‌شناسی؛ تربیت عرفانی؛ سند تحول و برنامه درسی ملی

۱- دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. Email: alizadeh.44rh@gmail.com

۲- استادیار گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. Email: M.H_rezaee@yahoo.com

۳- استادیار گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. Email: faghihialireza@yahoo.com

مقدمه

عالم وجود با همه ی مراتب لاهوتی، جبروتی، ملکوتی و ناسوتی اش به مصداق «فَإِنَّمَا تَوَلَّوْا فَنِمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره، ۱۱۵) مظهر و تجلای پروردگار یکتا به مصداق «إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ» (اسراء ۴۴) بدون استثناء در تسبیح و تحمید خدای متعال است (بهشتی، ۱۳۸۷ ص ۳۱۷)، و انسان بعنوان اشرف مخلوقات و محور خلقت عالم و بهین جلوه ی قدرت قادر متعال، در بین تمام موجوداتی که هر کدام آیه ای از آیات الهی محسوب می شوند، جایگاه ممتازی یافته و به مصداق (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ) (اسراء: ۷۰)، مکرم به تکریم خدای سبحان شده است. کمالی غیر از محقق ساختن فلسفه خلقت ندارد و همانا در طی مسیر کمال وجودیش، به استناد آیه ی (مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (ذاریات، ۵۶)، مقصدی جز عروج به آستان آن ذوالجلال و جبین سائی بدرگاه قادر متعال ندارد. لذا تربیت فرایندی در راستای راهیابی به حد وسع آدمی به اسماء و صفات حضرت باری تعالی و آن مقصد می باشد. قطعاً این مهم، در پرتو شناخت خدا و ایمان به او که در روایات به معرفه الله تعبیر می شود، میسر می باشد و این معرفت سنگ بنای اسلام بوده و از ارزش والایی برخوردار است، امیرالمومنین (ع) می فرماید: معرفه الله سُبْحَانَهُ أَعْلَى الْمَعَارِفِ معرفت به خدا، بلند مرتبه ترین معرفت است (داودی، ۱۳۷۸، ص ۳۸).

همچنین امام حسین(ع) می فرماید: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ. ای مردم خدای بزرگ بندگان را نیافرید مگر برای آنکه او را بشناسند (شریفی، ۱۳۸۹ ص ۶۰۸).

بنابراین با استناد به تعالیم و حیانی و مضامین روایات با ترسیم چشم انداز کمال و سیر تحقق و وصول آن غایت متعالی، به جایگاه تربیت عرفانی که متضمن کمال معرفت به ذات حضرت باری تعالی است، می توان پی برد. از این رهگذر رجحان معرفه الله در باب تربیت عرفانی به عنوان رکن رکن تربیت دینی و دربرگیرنده ی همه ی آموزه های دینی آشکار می گردد (همان ص ۵).

تربیت عرفانی، مجموعه تدابیر اختیاری و برنامه ریزی شده ای است که به واسطه آنها آدمی در راه پرورش توانایی باطنی خویش از مراتب پست و دنیای مادی عبور کرده و از چنگ نفس اماره رهایی یابد و ایمان، اخلاص و عشق به خدا را تجربه کند. همزمان با پیمودن منازل حالات و مقامات، جذبه ها، نفخه ها و حالات روحانی را دریابد و به فنای فی الله و بقای بالله بار یابد (فصیحی رامندی، ۱۳۹۱، ج ۱۲ ص ۳۹). تعلیم و تربیت عرفانی اوج و کمال نهایی و هدف آرمانی تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است، که یکی از ساحت های ششگانه تربیت در سند جامع تحول بنیادین آموزش و پرورش است، حیات طیبه، کمال نهایی، قرب الهی و ربوبی شدن، هدف نهایی تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است که اساس تربیت عرفانی است و سایر ابعاد تربیت آدمی نیز بایستی در پرتو این آرمان نگریسته شود (افشار، ۱۳۹۲ ص ۵۵). با توجه به اهمیت تربیت عرفانی، شورای عالی انقلاب فرهنگی در حال برگزاری نشست های تخصصی و هم اندیشی در طراحی «نظریه عرفانی تعلیم و تربیت»، است، این نظریه پیشنهادی، بدنبال آن است، که «چگونه می توان بر مبنای مکاتب و حوزه های فکری در جهان اسلام، از جمله مکتب عرفان اسلامی، نظریه یا نظریه های جدید بومی در حوزه تعلیم و تربیت تولید کرد؟ و یا به عبارت دیگر آیا

مکتب عرفان اسلامی ظرفیت لازم برای ایجاد نظریه‌های بومی در قلمرو تعلیم و تربیت که بتواند در سطح جهانی نیز مورد اقبال قرار گیرد، را دارد؟ مبانی هستی‌شناسی این نظریه وحدت وجود و عشق می باشد که با توجه به اهمیت تربیت عرفانی به عنوان بعدی مهم از تربیت در جامعه اسلامی و مکمل تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است و همسو با تلاش دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، در تدوین «نظریه عرفانی تعلیم و تربیت»، در این پژوهش، مبانی هستی‌شناسی تربیت عرفانی در چهارچوب اصل وحدت وجود و عشق در نظام تعلیم و تربیت کشور (که برای هر مولفه پانزده مقوله معتبر تهیه گردید) با توجه به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی مورد تطبیق، بررسی و تحلیل کیفی قرار گرفت. که به صورت مستقیم و غیر مستقیم در اسناد مذکور مطرح گردیده است و نقش آن دو مولفه (وحدت وجود و عشق) در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران بیان شد.

تعاریف مفاهیم و اصطلاحات

هستی‌شناسی: به بحث از مطلق وجود یعنی هستی عاری از هر قیدی می پردازد. به این معنا که بر خلاف علوم که به بررسی ظواهر هستی توجه دارند هستی‌شناسی فلسفی، خصایص کلی وجود را بررسی می کند، تا نظریه ای جامع درباره هستی عرضه کند (خالصی مقدم، ۱۳۹۶ ص ۲۵).

مبانی فلسفه تربیت در جامعه اسلامی ایران عبارتند از: مجموعه قضایای مدلی که تبیین چیستی و چرایی و چگونگی تربیت بر اساس دیدگاه اسلامی با توجه به آنها صورت می پذیرد و از آموزه های وحیانی اسلام و معارف اصیل اسلامی یا از تبیین های مدلل در دانش فلسفه با رویکرد اسلامی بدست آمده اند (دبیر خانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰ ص ۴۴۱).

تربیت عرفانی: مسیر تزکیه، تهذیب، شیوه حرکت در راه تعالی و عروج روح و طی مدارج کمال از مرحله سیر الی الله تا وصول بالله را سیر و سلوک دانسته اند و این همان تربیت عرفانی است (سجادی ۱۳۸۰ ص ۱۵).

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حقیقت برنامه راهبردی آموزش و پرورش و یکی از گسترده ترین طرح های نرم افزاری است که با تاکید بر جنبه های کیفی، رابطه عناصر نظام در درون و با محیط پیرامون و مباحث ساختاری در آن تدوین شده است. قلمرو سند، عرصه های توسعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در آموزش و پرورش دربر می گیرد و برای آن ها تعیین تکلیف می کند. این سند پایه، ملاک و راهنمای تصمیم گیری های اساسی برای هدایت راهبردی، نظارت و ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به منظور تحقق تحولات محتوایی و ساختاری است (رعنائی، ۱۳۹۳ ص ۲). در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نظام تعلیم و تربیت، نهادی اجتماعی و فرهنگی و سازمان یافته است که مسئولیت آماده سازی دانش آموزان، جهت تحقق مرتبه ای از حیات طیبه در همه ابعاد آن را بر عهده دارد.

برنامه درسی ملی، سندی عملیاتی برای تحقق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است، که نقشه کلان برنامه درسی و چارچوب نظام برنامه ریزی درسی کشور را به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی تعیین و تبیین می نماید (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۱، ص ۴).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

عرفان در لغت به معنای معرفت (شناخت) است. واژه "عرفان" و "معرفت" از نظر لغوی به معنای "شناختن" می باشد. اما در اصطلاح متفاوت اند «معرفت هرنوع شناختی را شامل می شود، اما عرفان، شناخت ویژه ای است که از راه شهود درونی و دریافت باطنی حاصل می شود. و در واقع عرفان عبارت است از شناخت شهودی و باطنی خدای متعال، اسماء، صفات و افعال او» بنابر این عرفان از سنخ مفاهیم و الفاظ و صورت های ذهنی نیست، بلکه از سنخ یافتن و دریافتن است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲۳، ص ۴۵).

عرفان عبارت است از معرفت: خدای سبحان از حیث اسماء و صفات و مظاهر آن، احوال مبدا و معاد، حقایق عالم و کیفیت بازگشت آنها به حقیقتی واحد یعنی ذات احدیت، معرفت طریق سلوک و مجاهده برای رها سازی نفس از تنگنا های قید و بند جزئیت و پیوستنش به مبدا خویش و اتصافش به نعمت اطلاق و کلیت (یثربی ۱۳۹۶، ص ۱۵)

موضوع عرفان به نظر قیصری عبارت است از: «ذات احدی، نعوت ازلی و صفات سرمدی «هُوَالذَّاتِ الْاَحَدِيَّةِ وَ نَعُوْتَهَا الْاَزَلِيَّةِ وَ صِفَاتُهَا السَّرْمَدِيَّةِ» (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۹۵).

عرفان برترین نوع معرفت نسبت به برترین حقیقت هستی است و به تعبیر قدما، اشرف علوم به اشرف موضوعات است. گرایش به عرفان نیز ریشه در فطرت انسان دارد، از این رو عرفان جاذبه ای بی مانند دارد و بسیاری از تشنگان کمال در طلب آن سر از پا نمی شناسند (فنائی اشکوری، ۱۳۹۱، ص ۳۵).

هستی شناسی عرفانی جایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب_ مهم ترین موضوع در مباحث درون عرفانی، هستی شناسی عرفانی است. در عرفان نظری، بحث هستی شناسی، موضوع محوری است. در واقع مسئله کلیدی و اصلی در عرفان نظری، هستی شناسی و تبیین نسبت خدا با خلق است. اینجا نیز یکی از جاهایی است که لغزشگاه است. تا تصور ما از این موضوع اصلاح نشود، پایمان در عرفان می لنگد. بسیاری از انحرافات به دلیل این است که نسبت خدا با خلق را درست تصویر نکردند (فنائی اشکوری، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰).

اصل وحدت وجود: یعنی وجود یا همان هستی یک حقیقت واحد است و نه اینکه وجود، حقایق گوناگون و متباین باشد. وحدت وجود، وحدت حقه ی حقیقه است. یعنی وجود عین وحدت است، بدون اینکه احتیاج به واسطه در عروض و یا واسطه در ثبوت داشته باشد. بنا به این دیدگاه، حقیقت یکی بیش نیست و هر چه در جهان هست، تنها جلوه ای از همان حقیقت واحد یعنی ذات اقدس الهی می باشد. از این رو می

توان نتیجه گرفت که تجلیات و مظاهر حق تعالی، گوناگون و کثیر هستند اما هستی یگانه است (همایی، ۱۳۵۶ص ۱۹۵ و ۱۲۷).

مقوله محبت و عشق: اساس خلقت، محبت است، یعنی اگر محبت نمی بود، آفرینش هم نبود، زیرا محرک و نخستین جاذبه ای که بنای آفرینش را گذاشت، محبت الهی بود و این به استناد حدیث قدسی، کنت کنزاً مخفياً است که حضرت ذوالجلال خواست جمال دلربایش آشکار شود. از این رو، وجود عالم و آدم و همه کائنات را آئینه جمال و آیت روی بی مثال خود قرار داد و آفرینش را رقم زد و جمال جمیل هستی را فرع و تابع جمال خود قرار داد. پس هر جا جلوه ای هست، تجلی جمال اوست و هر نوری، ظهوری، وجودی، جاذبه ای و افاضه ای که هست از محبت و عشق او متجلی است (فیض کاشانی، ۱۳۹۰ص ۳۰۲).

مظلومی زاده، رهنمایی و تحریری (۱۳۹۶) در پژوهشی، تحت عنوان بررسی مبانی هستی شناختی تربیت عرفانی، مبانی هستی شناختی تربیت عرفانی را بر اساس مکتب تربیت نجف اشرف، مورد بررسی قرار داده اند، نتایج پژوهش آنها بیانگر این است که، مبانی هستی شناختی تربیت عرفانی نقشی بنیادین در مبانی دیگر، مانند مبانی معرفت شناختی و انسان شناختی و مولفه های دیگر، همچون اصول، اهداف و روش های تربیتی دارد. نتایج پژوهش کوهگرد و شمشیری (۱۳۹۵) تحت عنوان صلح آموزی با اتکا به مبانی فلسفی عرفان اسلامی، نشان داده است: اصل وحدت، اصل ظاهر و باطن، عشق و زیبایی، فطرت، تزکیه و تهذیب و دلالت های آن ها، شرایط و بستر تربیتی مناسبی برای تحقق صلح آموزی را در نظام آموزش و پرورش بویژه تربیت دینی، امکان پذیر می سازد. نتایج پژوهش، موسوی نسب (۱۳۹۳) تحت عنوان اهداف، اصول و روش های تربیت عرفانی، نشان داده است، تربیت عرفانی و معنوی با موضوع (معرفت الله)، هدف (قرب و فنای فی الله) و روش خاص (کشف و شهود)، از مهم ترین ساحات و جنبه های تربیتی انسان است. از این رو شایسته است که تلاش های تربیتی انسان در مسیر رشد و شکوفایی این ساحت، یعنی تعالی معنوی و عرفانی انسان جهت دهی شود. اهداف این عرصه (معرفت یابی، محبت یابی، اطاعت ورزی و خداگونگی) مبتنی بر هست ها و نیست هایی در حوزه هستی شناختی و انسان شناختی و معرفت شناختی است. دستیابی به این اهداف نیز از سویی بر بایدها و نبایدهای برآمده از مبانی استوار است و از سوی دیگر به روش ها و راهبردهایی نیاز دارد که از منابع اصیل دینی و بیانات رهپویان این وادی به دست آمده است. بر اساس نتایج پژوهش افشار (۱۳۹۲) تحت عنوان تبیین روش های تربیتی در عرفان اسلامی با تاکید بر نهج البلاغه، از منظر تربیت عرفانی، هدف آرمانی تربیت آن است که آدمی ضمن رها شدن از تمامی قید و بندهای ظاهری و درونی به سطوح بالاتر معرفت و قرب الهی نزدیک شود. این همان آرمانی است که هدف غایی تربیت اسلامی قلمداد می شود. نتایج پژوهش شمشیری و نقیب زاده (۱۳۸۴) تحت عنوان فرایند تعلیم و تربیت با اقتباس از مبانی عرفان اسلامی، بیانگر این است که تعلیم و تربیت عرفانی وحدت گراست انسان تربیت یافته بر اساس آرمان های عرفانی قصد ماندن و درجا زدن در حوزه نسبیت و کثرت را ندارد، بلکه بر عکس در تلاش است تا پس از

کاویدن این حوزه خود را از دست آن خلاص کرده، به قلمرو وحدت وارد شود. بر اساس نتایج پژوهش یثربی (۱۳۹۶) تحت عنوان عرفان نظری، وحدت یکی از عناصر و اصول اساسی عرفان است، هستی حقیقت واحدی است که در باطن با وحدت کامل خویش از هرگونه تفرقه و کثرتی منزّه است و ظاهری دارد که نمایش کثرت است و این کثرت ها ظاهری و خیالی هستند واقعی و حقیقی نیستند. عشق از عناصر عمده و اساسی بینش و حرکت های عرفانی است، که حقیقت و چیستی او به راحتی قابل تعریف نیست. زیرا عشق مانند هستی مفهومی دارد که اعراف الاشياء است اما کنه و حقیقت آن در غایت خفا است. عرفا عشق را در مسایل مهم جهان بینی و سلوک خویش مطرح می کنند از جمله: ۱. عشق در آفرینش جهان ۲. عشق در بازگشت و معاد ۳. عشق در پرستش ۴. عشق در رابطه با دیگران. کریستوفری^۱ و همکاران (۲۰۱۶) به این نتایج دست یافتند که، تربیت زیبایی شناسانه ی دینی مبتنی بر عرفان، بر مبنای عشق و جذبه ی عشق الهی مبتنی بر اصول معرفت می باشد که با کسب مقامات زیبایی ابعاد زیبایی شناسانه ی دینی (ایمان و اخلاق) به عنوان مقامات زیبایی عشق الهی در مسیر جذبه ی عشق الهی قرار گرفته و به معرفتی شهودی از عشق و زیبایی های معنوی می رسد. بر اساس نتایج پژوهش المعطی (۲۰۱۱) عرفان که ناشی از تعمق در ادیان است، از گذشته تا به حال، همچون یافته های فیزیک جدید به جاندار بودن طبیعت و یکپارچگی عالم اذعان دارد و کل عالم بخصوص انسان را در مسیر کمال وجودی خویش با نیروی عشق در حرکت می داند. نتایج پژوهش پارسونز^۲ (۲۰۱۱) بیانگر این است که، در مطالعه علمی دین، اصطلاح عرفان به طور گسترده ای مورد استفاده و عمیقاً مورد بحث قرار گرفته است، تنش های متعدد درهرسنت مذهبی و گفتمان دانش، گاهی در مطالعات مذهبی وجود دارد. شیوه تربیتی معلمان و محققان، و کسانی که علاقه مند به عرفان و معنویت هستند، را می توان در تعلیم و تربیت مورد توجه قرار داد.

روش پژوهش

روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی، ولی از نظر نحوه گردآوری داده ها، توصیفی تحلیلی با رویکرد کیفی بوده است. با توجه به تایید مولفه های وحدت وجود و عشق به عنوان مبانی هستی شناسی تربیت عرفانی در کرسی علوم رفتاری شورای عالی انقلاب فرهنگی در گردآوری داده ها مفاهیم بیانگر هستی شناسی تربیت عرفانی در دو مولفه مذکور از طریق فیش برداری در چک لیست پانزده مقوله ای برای هر مولفه از پیشینه نظری پژوهش، منابع کتابخانه ای و مقالات و نشریات معتبر تهیه گردید و جدول انطباق چک لیست مقوله ای مولفه های وحدت وجود و عشق با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی به روش توصیفی، تحلیلی تنظیم گردید. و نتایج برگرفته از مطابقت و تحلیل های صورت

1 . Cristofori

2 . Parsons

گرفته ارائه و بحث و نتیجه گیری انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل: تمام متن «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» مصوب سال ۱۳۹۰ شورای عالی آموزش و پرورش و متن کامل «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی» مصوب سال ۱۳۹۱ شورای عالی آموزش و پرورش بوده است. با توجه به نوع روش تحقیق، همه بخش ها و صفحات سند تحول و برنامه درسی ملی، مورد بررسی قرار گرفته و نمونه گیری صورت نگرفته است. و با توجه به محدودیت صفحات مقاله، تطابق ها به صورت خلاصه ارائه گردید. روایی صوری چک لیست مقولات مورد تایید ۵ نفر از خبرگان دانشگاهی قرار گرفته و برای تعیین پایایی چک لیست، کل محتوای دو سند کدگذاری و ضریب توافق بین ارزیابی ها، تعیین و کدگذاری مشترک مورد توجه قرار گرفته است. در تجزیه و تحلیل داده ها از تحلیل کیفی استفاده شده است.

جدول شماره (۱) مبانی فلسفی و مقولات تربیت عرفانی در تحلیل محتوا

مقولات	مبانی هستی شناسی تربیت عرفانی
۱- اول و آخر، پیدا و پنهان همه خداست (قرآن کریم، حدید ۳) ۲- به هر کجا رو کنید همانجا خداست (قرآن، بقره ۱۱۵) ۳- امام حسین علیه السلام در دعای عرفه: آیا غیر از تو ظهوری دارد که تو نداری و باید با ظهور او تو را دید؟ (قمی، بی تا، ص ۴۵۶) ۴- هستی منحصر به خدا است و غیر او موجودی نیست و هر ذاتی، فروغی از نور ذات اوست، و تمامی مخلوقات و همه ی اشیاء، سایه ها و نمود های او هستند و جهان آینه اوست (فیض کاشانی: ۱۳۴۲ ص ۴۵) ۵- در وجود، جز ذات و صفات و افعال الهی که صورت اسماء و مظاهر صفات او هستند مطلقاً چیز دیگری نیست (شیرازی: ۱۳۷۸ ص ۱۱۹) ۶- وجود اصالت دارد، خدا وجود مطلق است و ما وجود محدودیم، او باقی است و ما فانی هستیم خداوند غنی مطلق است و ما فقیر مطلق هستیم. (ملاصدرا به نقل از فنایی اشکوری: ۱۳۹۱ ص ۲۴) ۷- عرفا برای واقعیت وجود، تشبیهات و تمثیلاتی دارند مثلاً گفته اند: نسبت خدا و خلق مثل دریا و موجش است. (فنایی اشکوری: ۱۳۹۱ ص ۲۷) ۸- هستی حقیقی منحصر به خداست، همه موجودات جلوه ذات حق هستند، تمامی کثرات آینه های تجلی نور پاک سرمدی و امور اعتباری هستند که تنها از هستی نمودی دارند. (فیض کاشانی: ۱۳۴۲ ص ۷۶) ۹- جز حق هر چه هست، عدم های هستی ناست و وجود مطلق همیشگی و سرمدی، جز اون نیست. (فیض کاشانی: ۱۳۹۰ ص ۴۶) ۱۰- امام خمینی (ره): ما از خدا هستیم، همه عالم از خداست، جلوه خداست و همه عالم به سوی او برخواهد گشت. (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی: ۱۳۹۰ ص ۵۰) ۱۱- از نظر فیلسوف الهی هم خدا اصالت دارد و هم غیر خدا الا اینکه خدا واجب الوجود و قائم بالذات است و غیر خدا ممکن الوجود و قائم بالغیر و معلول واجب الوجود است. (مطهری: ۱۳۶۹ ص ۷۳) ۱۲- از نظر عارف، غیر خدا به عنوان اشیایی که در برابر خداوند قرار گرفته	۱- هستی شناسی توحیدی (وحدت وجود)

باشند، هرچند معلول او باشند، وجود ندارد بلکه وجود خداوند همه اشیاء را در بر گرفته است یعنی همه اشیاء، اسما و صفات و شئون تجلیات خداوند هستند نه اموری در برابر ذات حق. (مطهری: ۱۳۶۹ ص ۷۳) ۱۳- هر آنچه ما بود می پنداریم، جلوه ای از صفات اوست. (بوکهارت: ۱۳۷۴ ص ۵۹) ۱۴- قبول اصل «اصالت وجود» و نیز «وحدت وجود» همه اوصاف و آثار ناشی از وجود بوده و ذاتی آن خواهند بود اما نشأت گرفتن همه آثار از وجود به دلیل آن است که جز وجود، هیچ حقیقت اصیل دیگری وجود ندارد که منشأ آثار بوده باشد (یثربی: ۱۳۹۶ ص ۳۹). ۱۵- حقیقت هستی و هستی حقیقی خداوند است. (ابراهیمی دینانی: ۱۳۹۳ ص ۱۶)	
مقولات	مبانی هستی شناسی تربیت عرفانی
۱- «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُمْ» خدا انسانها را دوست دارد و مردم هم خدا را دوست دارند «قرآن مائده: ۵۴) ۲- «والَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لَّهِ» آنانکه اهل ایمانند، عشق به خدا دارند. (بقره: ۱۶۵) ۳- به استناد حدیث قدسی «كنت كنزا مخفيا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لكي اعرف» پیدایش جهان، عشق حق به جمال خویش و جلوه جمال خویش است "عشق در آفرینش" اساس خلقت، محبت است، یعنی اگر محبت نمی بود آفرینش هم نبود، وجود عالم و آدم و همه کائنات، آینه جمال و آیت روی بی مثال حضرت حق اند. (بهشتی: ۱۳۸۷ ص ۳۰۲) ۴- امام صادق علیه السلام: هل الدين الا الحب آیا دین غیر از محبت است (مجلسی: ۱۴۰۳ ج ۶ ص ۶۳) ۵- معشوق حقیقی سلسله هستی، ذات مقدس حضرت حق است "عشق در بازگشت به معاد". (ملاصدرا: ۱۹۸۱ م ص ۷۵) ۶- یکی از ویژگی های عرفا پرستش خداوند بخاطر عشق به اوست، نه به خاطر طمع به بهشت یا ترس از دوزخ "عشق در پرستش" (فیض کاشانی: ۱۳۸۳ ص ۵۴) ۷- همه ذرات جهان هستی جلوه ای از حضرت حق اند، پس باید به تمام هستی عشق ورزید "عشق در رابطه با دیگران" (فیض کاشانی: ۱۳۸۳ ص ۳۳) به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست / عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست (سعدی: ۱۳۹۶ غزل ۱۳) ۸- عشقی که فطری و سرشت آدمی است، عشق به معشوق، کمال و زیبایی مطلق است. (امام خمینی: ۱۳۷۸ ص ۱۵) ۹- تمامی مهرورزیها و دلدادگیها که آدمیان به اشخاص و اشیاء دارند	۲- عشق

در حقیقت محبت و دلدادگی به خداوند است (فیض کاشانی: ۱۳۴۲ص ۴۵) ۱۰- عشق در عرفان همان عشق الهی است و اگر گهگاهی مقام عشق در نظر عارفی نزول کرده بازهم واسطه و پایه برای رسیدن به عشق حقیقی یا الهی شده است. (فیض کاشانی: ۱۳۴۲ص ۴۷) ۱۱- عرفا، عشق به مظاهر را با رعایت حدود شرع و قانون در طول عشق به ذات حق می دانند "المجاز قنطره الحقیقه" (رضایی تهرانی: ۱۳۹۲ص ۲۶) ۱۲- به عقیده فلاسفه الهی تمام حرکت هایی که در این عالم است حتی حرکت جوهری و اساسی که تمام قافله عالم طبیعت را به صورت یک واحد جنبش به حرکت درآورده ، مولود عشق است. (مطهری: ۱۳۶۹ص ۱۷۴) ۱۳- عرفا اساسا به عشق مجازی معتقد نیستند آنها تمام عشق ها را حقیقی می دانند و می گویند یک جمال بیشتر وجود ندارد که جمال حق است و همه جمال های دیگر، پرتوی و آینه ای از آن جمال هستند (مطهری: ۱۳۶۹ص ۲۱۵) ۱۴- مکتب عشق که همان مکتب عرفان است ، کمال انسان را در عشق که مقصود، عشق به ذات حق است و در آنچه که عشق ، انسان را به آن می رساند ، می داند. (مطهری: ۱۳۶۹ص ۲۱۵) ۱۵- همه موجودات حتی جمادات و نباتات ، عشق الهی را در خود ساری و جاری دارند، آسمان و زمین بر این عشق در حرکت و سکونند و غایت و مقصود از این سیر و ثبات جز نزدیک شدن به یکتای بی همتا نیست. (ملاصدرا: ۱۴۱۱ ق ۱ ص ۱۵)	
--	--

یافته های پژوهش

سوال پژوهش: مبانی هستی شناسی تربیت عرفانی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران با توجه به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش چیست؟

مبانی هستی شناسی تربیت عرفانی با دو مولفه وحدت وجود و عشق مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه گزاره های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری مرتبط با مولفه ها ارائه شده است.

جدول شماره (۲) جایگاه « وحدت وجود» به صورت خلاصه در سند تحول بنیادین

آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی

گزاره سند یا برنامه درسی ملی	بخش مربوطه	شرح ارتباط
الف- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش		
۱. در تعریف تعلیم و تربیت، فرایند تعلیم و تربیت مبتنی بر نظام معیار اسلامی تعریف شده است.	فصل اول ، صفحه ۱۰	این عبارت بیانگر ،حاکمیت مبنای اعتقادی «وحدت وجود» در فرایند تعلیم و تربیت است.
۲. یکی از ساحت های تعلیم و تربیت، تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است.	فصل اول، صفحه ۱۰	موضوع وحدت وجود در تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی ذیل مبحث توحید مطرح است که در آیات قرآنی و کلام ائمه معصومین (ع) بیان شده است.
۳. در تعریف نظام معیار اسلامی، تمام مولفه های جامعه بر اساس نظام معیار اسلامی است که متریان برای دست یابی به مراتب حیات طیبیه جهت درک موقعیت خود و دیگران و عمل فردی و جمعی برای بهبود مستمر آن، باید	فصل اول ، صفحه ۱۱	منظور از حیات طیبیه، رسیدن به قرب الهی است که محور مشترک اعمال فردی و اجتماعی در جامعه مورد نظر آموزش و پرورش است.
این گونه صفات و توانمندی ها را کسب کنند.	فصل اول صفحه ۱۲	توحید به عنوان اساس تکوین و گسترش روابط اجتماعی دلالت بر وحدت وجود دارد.
۴. در تعریف جامعه اسلامی بر توحید به عنوان اساس تکوین و گسترش روابط اجتماعی تاکید می گردد.	فصل اول صفحه ۱۳	ارتباط آگاهانه و اختیاری با حقیقت هستی اشاره به دیدگاه وحدت وجود دارد.
۵. در تعریف حیات طیبیه آمده است: اینگونه زندگی مستلزم ارتباط آگاهانه و اختیاری با حقیقت هستی و تشدید رابطه با او در همه شئون فردی و اجتماعی است.	فصل اول صفحه ۱۳	پذیرش ربوبیت خداوند متعال به عنوان یگانه رب حقیقی جهان و انسان دلالت بر وحدت وجود دارد.
۶ در تعریف حیات طیبیه آمده است: با توجه به لزوم پذیرش ربوبیت خداوند متعال به عنوان یگانه رب حقیقی جهان و انسان	فصل دوم صفحه ۱۵	مضامین و مقولات وحدت وجود به اشکال مختلف در سخنان پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) بارها تکرار شده است.
۷- گزاره های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی عبارتند از: ۱. آموزه های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم(ص) و حضرت فاطمه زهرا(س) و ائمه معصوم(ع)	فصل هفتم صفحه ۳۰	توان تفکر، درک و کشف پدیده ها و رویدادها به عنوان آیات الهی و تجلی فاعلیت خداوند در خلقت اشاره به وحدت وجود دارد.
۸. در هدف های عملیاتی و راهکارها ذکر گردیده : پرورش تربیت یافتگانی که :از توان تفکر ، درک و کشف پدیده ها و رویدادها به عنوان آیات الهی و تجلی فاعلیت خداوند در خلقت برخوردارند.		
ب) برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی		
۱. در «چشم انداز»، عبارت هایی همچون: «فرهنگ و تمدن اسلامی، تکیه بر میراث گران بها و ماندگار رسول الله(ص) ، قرآن کریم و عترت(ع) ، تحقق جامعه عدل	بخش دوم، صفحه ۸	توجه به قرآن و مکتب اهل بیت و اصول اعتقادی و توجه به مسئولیت های فرد در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، بیانگر جاری بودن روح الهی بر کالبد جهان و انسان و وحدت وجود است.

در این عبارت به نگرش توحیدی به خلقت برای باز کشف رمز و راز لایه های مادی اشاره شده که نشان از اصل وحدت وجود است. درک و تفسیر قوانین کلی حاکم بر هستی، نشان از وحدت وجود در هستی است.	بخش هشتم، صفحه ۳۵ بخش نهم، صفحه ۴۰	مهدوی(عج)، زمینه تربیت نسلی موحد، مومن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت ها و وظایف در برابر خدا، خود و دیگران و طبیعت حقیقت جو و خردمند» آمده است . ۲. در ضرورت و کارکرد حوزه تربیت و یادگیری علوم تجربی، آمده است: بر اساس مبانی تربیت اسلامی علاوه بر این محور تعمیق و تعالی نگرش توحیدی و دست یابی به درک غایتمند از خلقت و به عبارتی بازکشف و کشف رمز و راز لایه های مادی هستی، از محورهای مهم تربیت علمی است. ۳. در اصول حاکم بر انتخاب راهبردها آمده است: امکان درک و تفسیر قوانین کلی حاکم بر هستی و رابطه علت و معلولی یا وابستگی پدیده ها را همراه با افزایش بصیرت در دانش آموزان فراهم کند.
--	--	---

نتایج برگرفته از مطابقت و تحلیل های صورت گرفته از گزاره های سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی با مقوله های مبانی فلسفی هستی شناسی تربیت عرفانی ذیل جدول شماره دو (هستی شناسی توحیدی "وحدت وجود") نشان داد که : در سند تحول بنیادین و برنامه درسی جمهوری اسلامی ، اصل وحدت وجود در نظام هستی، مورد توجه قرار گرفته است. در سند تحول بنیادین، «نظام معیار اسلامی» به عنوان یک شاقول و تابلو هدف در تعریف عناصر تعلیم و تربیت و هدف گذاری ها مورد توجه قرار گرفته است . بر اساس آموزه های دین اسلام، روح الهی در تمام موجودات و جهان هستی ساری و جاری است و جهانی منهای ایمان و باور به وجود الهی ، در تصور نمی گنجد. تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی که محوریت دیگر ساحت های تربیتی است، موضوع وحدت وجود ذیل مبحث توحید در آن ساحت تربیتی مطرح است و آیات قرآنی و کلام ائمه معصومین(ع) که گزاره های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در سند تحول محسوب می شود به وحدت وجود به اشکال مختلف اشاره دارد. ارتباط آگاهانه و اختیاری با حقیقت هستی، پذیرش ربوبیت خداوند با عنوان یگانه رب حقیقی جهان و انسان و پرورش تربیت یافتگانی موحد و مومن که از توان تفکر، درک و کشف پدیده ها و رویدادها به عنوان آیات الهی و تجلی فاعلیت خداوند در خلقت برخوردارند، همگی بیانگر وحدت وجود می باشند.

در برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ، چشم انداز برنامه درسی، تربیت نسلی موحد، مومن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت ها و وظایف در برابر خدا، خود و دیگران و طبیعت ، مطرح شده است. باور به ربوبیت و حضور حکیمانه همراه با لطف و رحمت خالق یکتا در عرصه هستی و ضرورت شناخت حق تعالی، صفات، افعال و آیات الهی، به وحدت وجود توجه دارد. در برنامه درسی، لازمه زندگی توحیدی درک سنت های الهی، مطالعه محیط طبیعی و انسانی(سیر در آفاق و انفس) است و فراهم سازی امکان

درک و تفسیر قوانین کلی حاکم بر هستی و رابطه علت و معلولی یا وابستگی پدیده ها را همراه با افزایش بصیرت در دانش آموزان، حاکی از باور به اصل وحدت وجود در مبانی هستی شناسی برنامه درسی ملی است.

جدول شماره (۳) جایگاه «عشق» به صورت خلاصه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی

گزاره سند یا برنامه درسی ملی	بخش مربوطه	شرح ارتباط
الف- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش		
۱. در ساخت های تعلیم و تربیت: اولین ساخت که محوریت همه ساخت هاست، تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است.	فصل اول، ساخت های تعلیم و تربیت صفحه ۱۱	یکی از ویژگی های عرفا، انجام عبادت به خاطر عشق به خالق است نه به خاطر طمع به بهشت یا ترس از دوزخ «عشق در پرستش خالق»
۲. در شایستگی های پایه مجموعه ای ترکیبی از صفات و توانمندی های فردی و جمعی ناظر به همه جنبه های هویت (عقلانی، عاطفی، ارادی و عملی) است که مترپیان باید اینگونه صفات و توانمندیها را کسب کنند.	فصل اول: شایستگی های پایه صفحه ۱۱	جنبه های هویت عاطفی مترپیان اشاره به توانمندی محبت، مهرورزی و عشق به تجلیات الهی می باشد.
۳. در تعریف جامعه اسلامی، آمده است: اجتماعی است که بر روی نمودن به خدا در حالت تسلیم و رضا استقرار می شود.	فصل اول، تعریف جامعه اسلامی صفحه ۱۲	تسلیم و رضا در برابر خدا اشاره به عشق به خدا دارد (عشق در پرستش)
۴. گزاره های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی عبارتند از: ۱. آموزه های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه زهرا (س) و ائمه معصوم (ع)	فصل دوم صفحه ۱۵	مضمون محبت در آیات الهی و عشق در حدیث قدسی و کلام ائمه معصومین مطرح گردیده است.
۵. در بیانیه ارزش ها آمده است تدوین و تعالی جنبه های انسانی، هویت دانش آموزان برای تقویت روابط حق محور، عدالت گستر و مهرورزانه با همه انسانها در سراسر جهان	فصل دوم، بند ۱۱، بیانیه ارزش ها، صفحه ۱۷	تقویت روابط مهرورزانه با همه انسانها در سراسر جهان اشاره به عشق در رابطه با دیگران (تجلیات الهی) دارد.
۶. در بخش چشم انداز در سند، اتکاء به قدرت الهی، تکیه بر نظام معیار اسلامی و زمینه سازی جامعه عدل مهدوی از جمله ویژگی های ترسیم شده چشم انداز است.	فصل چهارم چشم انداز صفحه ۲۱	اتکا به قدرت الهی، ریشه در برقراری ارتباط عاشقانه با خداوند است.
۷. در هدفهای کلان آمده است: تربیت انسانی موحد، مومن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، وطن دوست و مهرورز	فصل پنجم، هدفهای کلان، صفحه ۲۴	تربیت انسانی موحد، مومن و معتقد به معاد و مهرورز اشاره به عشق محبوب ازل (خالق هستی) عشق در پرستش و عشق در بازگشت به معاد و عشق در رابطه با دیگران است.
ب) برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی		
گزاره سند یا برنامه درسی ملی	گزاره سند یا برنامه درسی ملی	گزاره سند یا برنامه درسی ملی

ایمان آگاهانه از مظاهر عشق الهی است. ایمان به انبیاء الهی و معصومین، که جلوه ای از معشوق واقعی هستند، مبنای عشق الهی را در هستی شناسی نشان می دهند. باور به دین برای تحقق حیات طیبه، اشاره به عشق الهی دارد.	بخش هفت، شایستگی های پایه، صفحه ۱۷	۱. در شایستگی های پایه، عنصر ایمان و دیگر موضوعات زیر مربوط به عشق است: - ایمان آگاهانه به توحید، نبوت، معاد، امامت، عدل، عالم غیب و حیات جاودانه - ایمان به انبیاء الهی، قرآن، پیامبر خاتم(ص)، ائمه معصومین علیهم السلام و ولایت مطلقه فقیه و نقش بی بدیل آنها در هدایت و رستگاری بشر - باور به نقش دین مبین اسلام و نظامات آن به عنوان تنها مکتب جامع و کارآمد برای تحقق حیات طیبه
--	------------------------------------	---

نتایج برگرفته از مطابقت و تحلیل های صورت گرفته گزاره های سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران با مقوله های مبانی فلسفی هستی شناسی تربیت عرفانی ذیل جدول شماره سه «مقوله عشق» نشان داد که: مقوله عشق به عنوان یکی از مولفه های هستی شناسی، مورد توجه سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی قرار گرفته است. در سند تحول بنیادین آموزه های قرآن کریم و کلام ائمه معصومین گزاره های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی محسوب می شود. محبت و عشق از ویژگی ها و صفات الهی و مومنین است که محبت شدید در قرآن و عشق در حدیث قدسی و روایات مطرح گردیده است. جنبه های هویت عاطفی متربیان، اشاره به توانمندی محبت، مهرورزی و عشق به تجلیات الهی دارد. تقویت روابط مهرورزانه با همه انسان ها در سراسر جهان معطوف به عشق در رابطه با دیگران که ربط و رابطه با خداوند رحیم دارند، می باشد. تربیت انسانی موحد، مومن به معاد و مهرورز اشاره به عشق خالق یکتا، عشق در پرستش، عشق در بازگشت به معاد و عشق در رابطه با دیگران می باشد.

در برنامه درسی ملی، ایمان آگاهانه به توحید، نبوت، معاد، امامت، عدل، عالم غیب و حیات جاودانه و ایمان به انبیاء الهی، قرآن، پیامبر خاتم(ص)، ائمه معصومین علیهم السلام و باور به نقش دین مبین اسلام و نظامات آن به عنوان تنها مکتب جامع و کارآمد برای تحقق حیات طیبه و احساس خرسندی و رضایت از هویت اسلامی خود و علاقه و تلاش برای حفظ آن، به عشق الهی اشاره دارند.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج مطابقت و تحلیل گزاره های سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران با مقوله های مبانی فلسفی هستی شناسی تربیت عرفانی (هستی شناسی توحیدی "وحدت وجود" و عشق) با نتایج پیشینه پژوهش: مظلومی زاده، رهنمایی و تحریری (۱۳۹۶)، کوهگرد و شمشیری (۱۳۹۵)، موسوی نسب (۱۳۹۳)، افشار (۱۳۹۲)، شمشیری و نقیب زاده (۱۳۸۴)، یثربی (۱۳۷۷)، کریستوفری و همکاران (۲۰۱۶) و المعطی (۲۰۱۱) همخوانی دارد.

مهمترین نتایج پژوهش های فوق الذکر، عبارتند از: از میان دو رویکرد مهم در تبیین مبانی هستی شناختی یعنی «تشکیک در وجود» و «تشکیک در ظهور»، رویکرد دوم مطمح نظر قرار گرفته است اصل وحدت، اصل ظاهر و باطن، عشق و زیبایی، فطرت، تزکیه و تهذیب و دلالت های آن ها، شرایط و بستر تربیتی مناسبی برای تحقق صلح آموزی را در نظام آموزش و پرورش بویژه تربیت دینی، امکان پذیر می سازد.

تربیت عرفانی و معنوی با موضوع (معرفت الله)، هدف (قرب و فنای فی الله) و روش خاص (کشف و شهود)، از مهم ترین ساحات و جنبه های تربیتی انسان است. از این رو شایسته است که تلاش های تربیتی انسان در مسیر رشد و شکوفایی این ساحت، یعنی تعالی معنوی و عرفانی انسان جهت دهی شود. اهداف این عرصه (معرفت یابی، محبت یابی، اطاعت ورزی و خداگونگی) مبتنی بر هست ها و نیست هایی در حوزه هستی شناختی و انسان شناختی و معرفت شناختی است. از منظر تربیت عرفانی، هدف آرمانی تربیت آن است که آدمی ضمن رها شدن از تمامی قید و بندهای ظاهری و درونی به سطوح بالاتر معرفت و قرب الهی نزدیک شود. این همان آرمانی است که هدف غایی تربیت اسلامی قلمداد می شود وحدت یکی از عناصر و اصول اساسی عرفان است، هستی حقیقت واحدی است که در باطن با وحدت کامل خویش از هرگونه تفرقه و کثرتی منزله است و ظاهری دارد که نمایش کثرت است و این کثرت ها ظاهری و خیالی هستند واقعی و حقیقی نیستند. عشق از عناصر عمده و اساسی بینش و حرکت های عرفانی است، که حقیقت و چیستی او به راحتی قابل تعریف نیست. زیرا عشق مانند هستی مفهومی دارد که اعراف الاشیاء است اما کنه و حقیقت آن در غایت خفا است. عرفا عشق را در مسایل مهم جهان بینی و سلوک خویش مطرح می کنند از جمله: ۱. عشق در آفرینش جهان ۲. عشق در بازگشت و معاد ۳. عشق در پرستش ۴. عشق در رابطه با دیگران. تربیت زیبایی شناسانه ی دینی مبتنی بر عرفان، بر مبنای عشق و جذبه ی عشق الهی مبتنی بر اصول معرفت می باشد که با کسب مقامات زیبای ابعاد زیبایی شناسانه ی دینی (ایمان و اخلاق) به عنوان مقامات زیبایی عشق الهی در مسیر جذبه ی عشق الهی قرار گرفته و به معرفتی شهودی از عشق و زیبایی های می رسد. عرفان که ناشی از تعمق در ادیان است، از گذشته تا به حال، همچون یافته های فیزیک جدید به جاندار بودن طبیعت و یکپارچگی عالم اذعان دارد و کل عالم بخصوص انسان را در مسیر کمال وجودی خویش با نیروی عشق در حرکت می داند.

با عنایت به مطابقتی که از گزاره های سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران با مقوله های مبانی هستی شناسی فلسفی تربیت عرفانی انجام شد، مشخص گردید که مبانی فلسفی تربیت عرفانی در هستی شناسی "وحدت وجود و عشق" است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم در اسناد مذکور اشاره گردیده است. لذا می توان گفت مبانی هستی شناسی فلسفی تربیت عرفانی با توجه به سند تحول بنیادین به شرح ذیل در نظام تعلیم و تربیت نقش دارد: در سند تحول بنیادین و برنامه درسی جمهوری اسلامی، اصل وحدت وجود در نظام هستی، مورد توجه قرار گرفته است. در سند تحول بنیادین، «نظام معیار اسلامی» به عنوان یک شاقول و تابلو هدف در تعریف عناصر تعلیم و تربیت و هدف گذاری

ها مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس آموزه های دین اسلام، روح الهی در تمام موجودات و جهان هستی ساری و جاری است و جهانی منهای ایمان و باور به وجود الهی، در تصور نمی گنجد. در برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی، چشم انداز برنامه درسی، تربیت نسلی موحد، مومن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت ها و وظایف در برابر خدا، خود و دیگران و طبیعت، مطرح شده است نشان از وحدت وجود در جهان هستی است.

در مبنای فلسفی هستی شناسی توحیدی تربیت عرفانی "وحدت وجود" در توحید ذاتی به یقین درمی یابیم که هستی منحصر به خداست و غیر از او موجودی نیست و هر ذاتی فروغی از نور ذات اوست و تمامی مخلوقات و همه اشیاء، سایه ها و نمودهای او هستند و جهان آینه اوست، یعنی یک نور است که در آینه های مختلف تابیده است و چون وجود او نامحدود است برای غیر جایی باقی نگذاشته است. چنانکه باباطاهر می گوید:

به صحرا بنگرم صحرا ته وینم به دریا بنگرم، دریا ته وینم
به هر جا بنگرم کوه و در و دشت نشان روی زیبای ته وینم

در اینجا ست که نگرش ما به نظام هستی از جمله نگرش مربی به مربی و متربی به مربی، الهی خواهد شد و مربی رشد متربی در تمام ابعاد هویتی را، رشد خود می داند و از هر سعی و تلاشی کوتاهی نخواهد کرد و متربی، مربی متعهد، الگو و اسوه و امین و بصیر که جهت ارتقاء شایستگی، حرفه ای و معنوی خود می کوشد را، مرجع، راهنما و هدایتگر خود می داند و در جهت تهذیب و تعلیم خود کوشش خواهد کرد. مقوله عشق به عنوان یکی از مولفه های هستی شناسی، مورد توجه سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی قرار گرفته است. در سند تحول بنیادین آموزه های قرآن کریم و کلام ائمه معصومین گزاره های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی محسوب می شود. محبت و عشق از ویژگی ها و صفات الهی و مومنین است که محبت شدید در قرآن و عشق در حدیث قدسی و روایات مطرح گردیده است. در برنامه درسی ملی، ایمان آگاهانه به توحید، نبوت، معاد، امامت، عدل، عالم غیب و حیات جاودانه و ایمان به انبیاء الهی، قرآن، پیامبر خاتم(ص)، ائمه معصومین علیهم السلام و باور به نقش دین مبین اسلام و نظامات آن به عنوان تنها مکتب جامع و کارآمد برای تحقق حیات طیبه و احساس خرسندی و رضایت از هویت اسلامی خود و علاقه و تلاش برای حفظ آن، به عشق الهی اشاره دارند.

در مبنای فلسفی هستی شناسی تربیت عرفانی "عشق" به این نکته می رسیم که اساس و فلسفه خلقت بر محبت است "عشق در آفرینش". یعنی اگر محبت نمی بود، آفرینش هم نبود، وجود عالم و آدم و همه کائنات، آینه جمال و آیت روی بی مثال حضرت حق اند. چنانکه حافظ می گوید:

طفیل هستی عشق اند آدمی و پری ارادتی بنما تا سعادت بیبری

و بر مبنای حدیث قدسی: لَوْلَا كَمَا خَلَقْتُ الْإِفْلَاقَ (مجلسی، ۱۴۰۳ ج ۱ ص ۱۵۷). اگر نبود عشق الهی به نور نبوت و امامت، آفرینش صورت نمی گرفت لذا نورخواهی به نور نبوت و امامت و توسل و ارتباط با معصومان(ع) که مظاهر صفات و اسماء خداوند و واسطه فیض و جلوه رحمت حق هستند در برنامه نظام

تربیتی قرار خواهیم داد و خداوند را به خاطر عشق به او، بندگی و طاعت خواهیم کرد، نه به خاطر طمع به بهشت یا ترس از دوزخ "عشق در پرستش" و در توسعه فرهنگ اقامه نماز که عصاره همه فضایل دینی است و نماد فراگیر جامع بندگی انسان است، کوشش خواهیم کرد و چون معشوق حقیقی سلسله هستی، ذات مقدس حضرت حق است در جهت رسیدن به قرب الهی، مراقبه و محاسبه و تهذیب نفس را پیشه خود خواهیم کرد و به اعمال و رفتاری که مورد پسند معشوق حقیقی است اقدام خواهیم کرد تا به لقایش واصل گردیم "عشق در بازگشت به معاد" و همه ذرات جهان هستی را جلوه ای از حضرت حق دانسته و به تمام هستی که ربط و رابطه با خداوند دارند، عشق می ورزیم. "عشق در رابطه با دیگران". اینجاست که رابطه معلم و شاگرد (مربی و متربی) مشخص می گردد، معلمی شغل انبیاست و در راستای اراده الهی است که بر پایه شوق و اشتیاق رشد و اعتلاء متربیان قرار دارد و مهرورزی و کوشش در ارتقاء متربی در همه ابعاد هویتی و شخصیتی اش از این باب که آینه وجود خداوند هستند و ربط و رابطه با حقیقت هستی دارند در راستای عشق الهی قرار دارد باعث تعلیم و تربیت عاطفی و مهرورزی می شود که چشم انداز جدید جهانی برای تعلیم و تربیت است.

فراهم نمودن زمینه آگاهی و بصیرت و اقدام عملی نسبت به مبانی فلسفی هستی شناسی تربیت عرفانی (وحدت وجود و عشق) در نظام تعلیم و تربیت، باعث رشد معنوی و تحول باطنی مربیان، متربیان و تحقق مراتب حیات طیبه در ابعاد مختلف و قرب الهی خواهد شد.

Resources

- Holy Qur'an, (2014) translated by Hossein Ansarian, Qom: Dezh Publications.
- Ebrahimi Dinani, Gholamhossein, (2013), Radius of Thought and Intuition in Sohrawardi's Philosophy. wisdom
- Afshar, Wali Elah, (1392), explanation of educational methods in Islamic mysticism with emphasis on Nahj al-Balagha. (master thesis). Non-governmental - Islamic Azad University - Islamic Azad University, Central Tehran Branch - Faculty of Educational Sciences and Psychology.
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1378), Tafsir of Surah Hamad. Qom: Publishing House of Imam Khomeini.
- Bockhardt, Titus, (1374), an introduction to Sufism, translated by Yaqub Azhand, Tehran: Molly Publications.
- Beheshti, Mohammad, (1387), Muslim Scholars' Opinions on Education and Its Basics, Faiz Kashani, Samt Publications.
- Javadi Amoli, Abdullah, (1372), Tahrir Tahmed al-Qasas. Qom: Al-Zahra Publications.
- Khalasi Moghadam, Farhad, (2016), Absolutist ontology in the experience of non-dualism of Eastern philosophy, Tehran: Abundant.
- Davoudi, Mohammad, (1378), Religious Education of the Prophet (PBUH) and Ahl al-Bayt (PBUH), Qom: Hozwa and University Research Institute Publications.
- Secretariat of the Higher Council of Education, (1391), National Curriculum of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Ministry of Education.
- The Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution and the Secretariat of the Supreme Council of Education, (1390), theoretical foundations of the fundamental transformation in the public formal education system of the Islamic Republic of Iran.
- Rezaei Tehrani, Ali, (2012), Imam Khomeini Educational and Research Institute, Sir Vesluk, Qom.
- Ranaei, Majid. (2013), "the latest status of the operationalization of the fundamental transformation document in education", Tasnim news agency, citing the site: www.tasnimnews.com
- Sajjadi, Seyed Jafar, (1370), Dictionary of Mystical Terms. Tehran: Tahori Library.

- Saadi Shirazi, Mosleh al-Din, (2016), ancient texts of literature (selection of Divan Saadi). Tehran: Surah Mehr.
- Sharifi, Ahmad Hossein, (2009), an introduction to true and false mysticism, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Shamshiri, Babak; Naqibzadeh, Abdul Hossein, (1384), the process of education and training by adapting the foundations of Islamic mysticism. Bimonthly scientific-research journal of Shahid University, year 12, number 12.
- Shirazi, Sadr al-Din, (1378), Mufatih al-Ghaib, Mohammad Khajawi's research, Tehran: Cultural Studies and Research Institutions Publications.
- Fasihi Ramandi, Mehdi, (2013), a comparative study of the principles of moral education and mystical education. Ethical knowledge, period 3, number 4 (series 12).
- Fanai Ashkouri, (2013), the historical nature of the possibility and realization of Islamic philosophy, contemporary wisdom journal of the Research Institute of Humanities and Cultural Studies, second year, fall and winter, number 2.
- Fanai Ashkouri, Muhammad, (2011), Shiite mysticism features, Shiism quarterly, year 8, number 32.
- Faiz Kashani, Mulla Mohsen, (1383 AH), Al-Haqaiq fi Mahasan al-Akhlaq, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
- Faiz Kashani, authored by Mohammad Beheshti, (2013), opinions of Muslim scholars in education and its foundations, third edition, publisher: organization for studying and compiling humanities books of universities (Samt), publisher: Hohza and University Research Institute.
- Faiz Kashani, Mollah Mohsen, (1342), Al-Kamat al-Maknuneh, Tehran: Farahani Publications.
- Qomi, Sheikh Abbas, (B.T.A.), Mofatih al-Janan, Qom: Osweh Publications.
- Mountaineer, Maitham; Shamshiri, Babak, (2015), peace learning by relying on the philosophical foundations of Islamic mysticism: implications for educational managers. A new approach in educational management, period 7, number 2 (26 series).
- Majlisi, Mohammad Baqir, (1403 AH), Bihar al-Anwar, volume seven, Beirut: Al-Wafa Institute.
- Motahari, Morteza, (1369), collection of works, principles of philosophy and method of realism, Tehran: Sadra.
- Motahari, Morteza, (1378), Man in the Qur'an, Tehran: Sadra Publications.
- Mazlounizadeh, Kamal; Rahnamayi, Syed Ahmad, Tahriri, Mohammad Baqer, (2016), investigation of ontological foundations of mystical education based on "Najaf Ashraf" educational school, two quarterly journals of Islam and educational research, year 9, number 19.
- Al-Mu'tait, Muhammad, (2011), The position of Sufism in human tranquility and education in the third millennium. Volume 9, Number 39.
- Mulla Sadra, Sadr al-Din Muhammad, (1411 AH), Tafsir al-Qur'an al-Karim. Qom: Bedar Publications.
- Mulla Sadra, Sadr al-Din Muhammad, (1981), Al-Asfar al-Uqliyyah al-Arbaeh. Beirut: Dar Ahyaya al-Trath al-Arabi.
- Mousavi Nesab, Seyyed Mohammad Reza, (2013), goals, principles and methods of mystical education. Two Quarterly Journals of Islam and Educational Research, Year 6, Number 2.
- Homayi, Jalaluddin, (1356), Maulvi Namah, What does Maulvi say? The first volume, Tehran Aghaz Publications.
- Yathrabi, Seyyed Yahya, (2016), theoretical mysticism, a research on the evolution and principles and issues of mysticism and Sufism, Qom: Bostan Kitab.
- Cristofori, Irene, Bulbulia, Joseph, John H. Shaver, Wilson, Marc. (2016). The aims and methods of aesthetic religious education based on mysticism. Neuropsychologia, Volume 80, 8 January 2016, Pages 212-220.
- Parsons, William B. (2011). Teaching Mysticism. Oxford scholarship. Affiliations are at time of print publication p25.